

فایده تشبیه

بر اساس اشعار حافظ

آوردن تشبیه و استعاره در شعر و سخن فوایدی دارد و ویژگی‌هایی را بوجود می‌آورد که درخور بررسی و تحقیق است و این امر یکی از جالبترین پژوهش‌های مربوط به نقد شعر است، در کتابهای فن بیان برای تشبیه این فواید و اغراض بیان شده است^۱:

- ۱- اثبات وجود مشبه. ۲- بیان حال مشبه. ۳- بیان مقدار و اندازه مشبه.
- ۴- تمکن و خاطر نشان شدن مشبه بواسطه تشبیه امور معقول به محسوس مثل تشبیه سعی بیفایده به نوشتن بر روی آب (ما این امر را تجسم می‌نامیم). ۵- تزیین مشبه.
- ۶- تقبیح مشبه. ۷- استطراف یعنی تازه ساختن مشبه و این راما تازه‌سازی و نوآوری می‌نامیم. ولی ما با آوردن استعاره حقیقی و استعاره مکنیه در شمار تشبیهات، و با توجه به تشبیهات حافظ، طرح و تقسیم‌بندی دیگری از مقاصد و فواید تشبیه بدست می‌دهیم که تازگی دارد و می‌گوئیم تشبیه و استعاره برای این منظورها می‌آید:

- ۱- توصیف مشبه. ۲- اثبات وجود مشبه. ۳- حیرت آفرینی. ۴- ایجاد همبستگی شاعرانه با اجزای دیگر کلام. ۵- تجسم. ۶- ابداع و نوآوری. ۷- ایجاز.
- توصیف مهمترین فایده و غرض تشبیه است و توصیف بوسیله تشبیه یکی از زیباترین و دل‌انگیزترین شیوه‌های بیان مقصود است به همین جهت تشبیه از آغاز پیدایش بشر یکی از ابزارهای وصف زیبایی بوده است.

- ۱- اغراق و مبالغه و غلو
- ۲- زیباسازی. ۳- زشت‌نمائی و به این ترتیب فواید و غرضهای تشبیه را بر روی

۱- هنجار گفتار ص ۱۵۹ و بعد از آن، تألیف سید نصرالله تقوی

هم می‌توان چنین شمرد: ۱- توصیف مشبه ۲- اثبات وجود مشبه ۳- حیرت آفرینی
۴- بوجود آوردن همبستگی شاعرانه بین کلمات ۵- تجسم ۶- ابداع و نوآوری
۷- ایجاز ۸- زیبایی و تزئین مشبه ۹- زشت نمائی ۱۰- اغراق ۱۱- تخیل و
خیالپردازی شاعرانه. ۱۲- اطناب

تشبیهات توصیفی - چنانکه گفتیم توصیف بوسیله تشبیه یکی از راههای
توضیح و روشنگری در کلام است. اینگونه تشبیهات بطوری که دیدیم شامل بسیاری
از تشبیهات دیگر نیز میشوند از قبیل تشبیه برای اغراق آفرینی، تشبیه برای
تجسم، تشبیه برای آفرینش زیبایی و غیره زیرا هر یک از اینها در عین حال توصیف
نیز هستند و آنها را به دو صورت می‌توان شرح داد، یکی مستقلاً و دیگر در
داخل، در تشبیهات توصیفی، و ماشیوه دوم را برمی‌گزینیم.

توصیف - ممکنست درباره این امور باشد:

وصف عشق، وصف معشوق، وصف عاشق، وصف ممدوح، وصف
عواطف و حالات درونی آدمی، وصف خوبیها و بدیها، وصف جهان، وصف
عمر، وصف طبیعت، وصف شراب، وصف قوای آدمی و غیره.

تشبیهات اغراق آفرین - گفتیم تشبیه توصیفی در شعر بطور عام و در شعر
حافظ بطور خاص گاهی برای ایجاد اغراقست^۱ مانند تشبیه غم به کوه و تشبیه
اشک به سیل و دریا و چشمه ورود و جوی خون. ما اینگونه تشبیهات را تشبیهات
توصیفی اغراقی یا به اختصار تشبیهات اغراق آفرین می‌گوئیم.

اغراق ممکنست بر این امور دلالت کند: کثرت و مقدار زیاد، سرعت
زیاد، رشد بسیار، وسعت زیاد، قدرت و شوکت فراوان، شدت و غیره
مثال برای تشبیهات اغراق آفرین برای نشان دادن **سرعت زیاد**:

اندر آن ساعت که بر پشت صبا بندند زین

با سلیمان چون برانم من که مورم هر کبست

۱- اغراق در این مقاله به معنی وسیعی گرفته شده است و شامل مبالغه و غلو نیز

که تشبیه اسب به باد صبا برای نشان دادن سرعت اغراق آمیز آنست.
مثال برای تشبیهات اغراق آفرینی که بر شدت دلالت می کنند:
آتش دل:

سینه از آتش دل در غم جانان به سوخت آتشی بود در این خانه که کاشانه بسوخت
تند باد حوادث:

ز تند باد حوادث نمی توان دیدن در این چمن که گلی بوده است یاسمنی ۱۳۳۸
و همچنین است: باد غیرت ۹۱، باد فتنه ۴۳، برق غیرت ۱۰۳، برق
عصیان ۳۴۸، برق عشق ۵۸، طوفان بلا ۵۷، طوفان حوادث.

مثال برای اغراق در رشد و ایجاد وزاینده گی:

چشمه عشق ۱۸، مشرب مقصود ۱۸۶، مشرب قسمت ۱۸۲، نهال دشمنی،
درخت دوستی، نهال حیرت ۱۱۷، تخم مهر،
صد جوی آب بسته ام از دیده برکنار
بر بوی تخم مهر که در دل بکارمت ۶۳
درخت دوستی بنشان که کام دل بیار آید

نهال دشمنی برکن که رنج بیشمار آید
تا درخت دوستی چکی بر دهد
مثال برای تشبیهات اغراق آفرینی که برای نشان دادن شوکت و حشمت
و قدرت می آیند:

تاج خورشید، تاج تکبر خورشید:
آنکه پیشش بنهد تاج تکبر خورشید
کبریائیست که در حشمت درویشانست ۳۵
شهبوار من که مه آئینه دار روی اوست
تاج خورشید بلندش خالک نعل مرکبست ۳۵

کوس ناموس و علم عشق:

کوس ناموس تو برکنگره عرش ز نیم

علم عشق تو بر بام سموات بریم ۲۵۷

ترك فلك:

بیا که ترك فلك خوان روزه غارت کرد

هلال عید به دور قدح اشارت کرد ۸۹

سر پنجه شاهین قضا:

دیدى آن قهقهه كبك خرامان حافظ

که ز سر پنجه شاهین قضا غافل بود ۱۴۱

مثال برای تشبیهات اغراق آفرینی که برونسعت زیاد دلالت می کنند:

تو خفته‌ای و نشد عشق را کرانه پدید

تبارك الله از این ره که نیست پایانش ۱۹۸

واز این قبیلست: کشور حسن ۵۳ و ملک دل ۱۳۶، ۶۳

مثال برای تشبیهات اغراق آفرینی که بر کثرت دلالت می کنند:

لشکر غم (۳۵، ۳۸۳، ۱۲۹، ۶۳)، کوه اندوه فراق (۱۹۹ و ۴۸) سیل فنا ۹۱،

سیل اشک، سیل سرشک (۵۷، ۱۸۴، ۹۴) سیل بلا ۱۹۴، سیل غم ۸۸، نیل غم ۲۲۷،

خیل خیال:

دیشب به سیل اشک ره خواب میزدم

نقشی به یاد روی تو بر آب میزدم

به پیش خیل خیالش کشیدم ابلق چشم

بدان امید که آن شهسوار باز آید

مثال برای تشبیهات اغراق آفرینی که برونسعت و کثرت هردو دلالت

می کنند:

بحر فنا ۵۲، بحریکران فراق (۲۰۲)، بحر غم ۲۰۲، بحر عشق ۵۰، کشور

حسن . ملك دل :

بحریست بحر عشق که هیچش کنار نیست

آنجا جز آنکه جان بسپارند چاره نیست

بنابر این تشبیهانی که مشبه به آنها اشیاء و چیزهای وسیع و عظیم و فراوانست و یا شدت و قدرت را می‌رساند بر اعراف نیز دلالت می‌کند. از این قبیل است این مشبه به‌ها: دریا، بحر، سیل، رود، کوه، طوفان، تندباد.

علاوه بر آنچه گفتیم این تشبیهات نیز جنبه اغراقی دارند: دولت غم ۲۱۲، دولت صحبت ۱۸۲، دولت عشق ۱۹:

حافظ از دولت عشق تو سلیمانی شد

یعنی از وصل تو اش نیست بجز باد بدست

و نیز از این قبیل است: جوهر فرد، علم هیأت عشق ۳۹، شاهد مقصود، گوهر مقصود ۹۱، خرمن عمر ۵۳، خزینه دل ۵۴، فلك سروری، حرم وصل، کعبه مقصود، شراب غرور ۵۳، میکده عشق ۱۸۴، کیمیای عشق ۲۴۶، کیمیای عزت ۳۴۸، اکسیر مراد ۱۶۸ میخانه عشق:

بردر میخانه عشق ای ملك تسبیح گوی

کاندر آنجا طینت آدم مخمر می‌کنند

آوردن تشبیه برای تزیین و زیبا کردن مشبه - یکی از مقاصد عمده

تشبیه زیبا کردن و دل انگیز نشان دادن مشبه است و این البته هنگامیست که شاعر چیزی را دوست دارد و در او به چشم رضایت و خوبی و زیبایی می‌نگرد و یا اینکه آن شئی واقعاً زیباست.

مشبه به‌هایی که از بین گلها، عطرها، مظاهر بهار و طبیعت، زیورها و گوهرها و بعضی امور مذهبی انتخاب می‌شوند و تشبیهاتی که با ماه، خورشید، چراغ، شمع، ستاره، مرغ، کبوتر، پرندگان زیبای دیگر، دختر، عروس و غیره بوجود می‌آیند بر زیبایی دلالت می‌کنند مانند:

جان فدای دهنش باد که درباغ نظر
 چمن آرای جهان خوشتر از این غنچه نیست ۱۹
 گلبرگ راز سنبل مشکین نقاب کن
 یعنی که رخ بیوش و جهانی خراب کن ۲۷۲
 هم گلستان خیالم ز تو پر نقش و نگار
 هم مشام دلم از زلف سمن سای تو خوش ۱۹۴

الف- تشبیهات زیبایی که با گل و گیاه ساخته میشوند:

چمن دهر ۱۶۰، چمن جهان ۱۸۲، چمن حسن ۵۹، چمن نزهت
 درویشان ۳۵ چمن لطافت ۵۹، گلستان خیال ۱۹۴، گلستان جهان ۱۸۲، گلستان
 وصال ۵۹، باغ نظر (۱۹، ۳۱۴) باغ عالم ۲۵۱، باغ دیده ۹۹، گلشن چشم ۲۳۲،
 گل مراد (۱۴۰ و ۹۷)، گل توفیق ۳۴۵، گل رخسار ۲۱۵، گلبن حسن ۲۵۵،
 گلبرگ وجود ۱۹۴، می چون ارغوان ۶۰، دهن چون غنچه (۱۹)، مزرع سبز
 فلك ۲۸۱، نوبهار حسن ۲۷۱، سبب زرخدان (۳۲)، سبب زرخ ۲۹۰.

ب- تشبیهات زیبایی که با عناصر و تعبیرات مذهبی بوجود می آیند:
 هدهد صبا ۶۲، محراب ابرو (۶۳، ۲۷۶، ۶۶).

ج- تشبیهات زیبایی که با پرندگان بوجود می آیند: مرغ خرد، مرغ
 دل (۹۵ و ۷۵ و ۱۱۹)، طوطی طبع ۴۴، کبوتر دل ۱۱۴.

د- تشبیهاتی که با چیزهای زیبای دیگر بوجود می آیند:

نقش مراد ۹۸، نقش جهان ۳۰، نقش غم ۱۱۵، نقش جور ۱۲۲، نقش
 امل ۹۱، قصر امل ۲۷، خاتون ظفر ۷۴، دختر رز، عروس هنر، حجله حسن، آینه
 لطف ۴۸ آینه حسن ۱۴۲، شیشه دیده ۲۷۲.

ه- تشبیهات زیبایی که با روشنایها و نورها ساخته می شوند:

چراغ دل ۳۱۷، چراغ می ۲۸۶، چراغ روی ۲۹۶، چراغ دیده ۲۲۰،
 چراغ روشن چشم ۳۳۳، شمع دیده ۶۶۱، چراغ چشم ۴۳، شمع دل ۲۰، شمع

محبت ۱۴۱، شمع آفتاب ۲۹۶، شمع روی ۲۹۶، شمع رخسار ۲۳، فروغ رخ ۷۶، خورشید می ۲۷۳، آفتاب قدح ۲۴۶، آفتاب طلعت ۲۸، ماه مراد ۷۸، ماه حسن ۱۰، ماه رخ ۳۲، ماه روی ۳۷، ماه ابروان ۲۸۰، آب روشن می ۹۰، مهتاب رخسار ۲۱۸، بیاض رو.

۹- تشبیهات زیبایی که با زر و گوهر و زیورها ساخته میشوند:

جام زر خورشید ۳۷۳، ساغر زرین خور ۹۰، درج محبت ۱۸۴، یاقوت لب ۳۸۳، لعل لب (۸۰، ۱۲۷، ۶۴، ۶۸، ۳۳)، خاتم لعل ۲۲۳، جام لعل ۱۷۹، حنّه دهن ۱۰۶، گوهر می ۳۴.

تشبیهات حیرت آفرین - حیرت آفرینی یکی از ویژگیهای شعر زیبا و تشبیه زیباست و بسیاری از تشبیهات برای این بوجود آمده اند که در آدمی شگفتی و حیرت بیافرینند. تشبیهاتی که در دل و جان ما حیرت و شگفتی بوجود می آورند عبارتند از:

۱- بعضی از تشبیهاتی که با تضاد توأمند مانند:

با دل خون شده چون نافه خوشش باید بود

هر که مشهور جهان گشت به مشکین نفسی ۳۱۸

به آهوان نظر، شیر آفتاب بگیرد مطالعات فرهنگی

به ابروان دوتا قوس مشتری بشکن ۲۷۶

راز این قبیلست: دولت غم ۲۱۲، گنج عشق ۲۵۶، گنج غم ۳۳.

۲- برخی از تشبیهاتی که با صنعت عکس توأمند مانند:

شمع دل دمسازم بنشست چه او برخاست

وافغان ز نظر بازان برخاست چو او بنشست ۲۰

به عمری يك نفس با ما چو بنشینند برخیزند

نهال شوق در خاطر چو برخیزند بنشانند ۱۳۱

البته عکس را نیز می توان نوعی تضاد بشمار آورد.

۳- برخی از تشبیهات که ایهام توالد ضدین ایجاد می‌کنند. مانند:

اساس توبه که در محکمی چو سنگ نمود

به بین که جام زجاجی چه طرفه‌اش بشکست ۱۹

۴- بعضی از تشبیهاتی که با حسن تعلیل (دلیل آفرینی شاعرانه) توأمند

مانند:

گفتمش سلسله زلف بتان از پی چیست

گفت حافظ گله‌ای از دل شیدا می‌کرد ۹۶

۵- پاره‌ای از تشبیهات که با اغراق توأمند:

شهبوار من که مه آئینه‌دار روی اوست

تاج خورشید بلندش خاک نعل مرکبست ۲۳

آنکه پیشش بنهد تاج تکبر خورشید

کبریائست که در حشمت درویشانست ۳۵

زین آتش نهفته که در سینه منست

خورشید شعله‌ایست که در آسمان گرفت ۶۰

۶- بعضی از تشبیهاتی که با ایهام تضاد توأمند مانند:

خیال زلف تو پختن نه کار هر خامیست

۴۶ که زیر سلسله رفتن طریق عیارست

شراب خورده و خوی کرده می‌روی به چمن

که آب روی تو آتش در ارغوان انداخت

۷- تشبیهات جان‌آفرین- یعنی تشبیهاتی که اشیاء بیجان را به امور جاندار

مانند می‌کنند و استعاره مکنیه بوجود می‌آورند مانند: شمع و نسیم عطر

گردان در این بیتها:

گر خود رقیب شمعست اسرار از او بپوشان

کان شوخ سر بریده بند زبان ندارد

شراب ارغوانی را گلاب اندر قدح ریزیم

نسیم عطرگردان را شکر در مجمر اندازیم ۲۵۸

۸- بعضی از تشبیهاتی که با ایهام تناسب و ایهام تضاد و دو معنایی توأمند و بعضی از آنهایی که اجزای شان با کلمات دیگر روابط چندگانه ایجاد می کند مانند:

سلطان من خدا را زلفت شکست ما را

تا کی کند سیاهی چندین دراز دستی

مبین به سبب زن خدان که چاه در راه است

کجا همی روی ای دل بدین شتاب کجا ۳

ای که با زلف و رخ یار گذاری شب و روز

فرصت باد که خوش صبحی و شامی داری ۳۱۲

۹- بعضی از تشبیهاتی که در آنها ظاهراً تعارض و تضاد معنوی دیده میشود اما در واقع چنین نیست و بازیابی و لطف زنانه معشوق ظاهر آسازگار نیست مانند تشبیه مژگان به تیر و تشبیه ابرو به کمان و همچنین تشبیه چشم به بیمار که بیماری با زیبایی چشم معشوق بظاهر مناسب نیست بلکه ظاهراً نوعی نازیبائی و زشتی نیز بشمار میرود اما پس از اندکی تأمل روشن میشود که این زشتی و نازیبائی عین زیباییست نهایت آنکه زیبایی شگفت انگیز و حیرت آفرین است. مثال:

به مژگان سیه کردی هزاران رخنه در دینم

بیاکز چشم بیمار هزاران درد بر چینم ۲۴۳

همچنین تشبیهات: تیر مژگان (۳۲۹)، تیر مژه (۲۱۵)، تیر چشم (۹۴)،

کمان ابرو (۱۳۰ و ۱۸۸ و ۲۲۷)، کمانچه ابرو ۶۸، کمانخانه ابرو ۱۴۲.

یادآوری - اصولاً بعضی از صنایع بدون تشبیه هم حیرت آفرینند تا چه

رسد به وقتی که با تشبیه و استعاره مکنیه و اغراق هم توأم باشند. این صنایع

عبارتند از:

ایهام، ایهام تناسب، ایهام تضاد، اغراق، ایهام توالدضدین تجاهل -
العارف، عکس، تبدیل، تعجب.

تجسم - یکی از غرضهای عمده تشبیه در شعر تجسم موضوعاتست که به بیان روشنی و وضوح میدهد و تجسم را می‌توان از اقسام توصیف نیز بشمار آورد. تجسم بیشتر وقتی صورت می‌گیرد که امور محسوس یا معقول را به امور محسوس مانند کنیم مثل تشبیه محسوسات و معقولات به امور رنگین و واضح و قابل رؤیت.

مثال برای تشبیه معقولات به محسوسات:

تشبیه عقل به شحنه:

ما را ز منع عقل مترسان و می‌بیار

کان شحنه در ولایت ماهیچکاره نیست ۵۱

تشبیه تزویر به دام:

حافظا می‌خور و رندی کن و خوش باش ولی

دام تزویر مکن چون دگران قرآن را

تشبیه فنا به بیابان:

در بیابان فنا گم شدن آخر تا کی

ره پرسیم مگر پی به مهمات بریم ۲۵۸

تشبیه حوادث به تندباد:

ز تندباد حوادث نمی‌توان دیدن

در این چمن که گلی بوده است یاسمنی ۳۳۸

تشبیه صبر به چاه:

سوختم در چاه صبر از بهر آن شمع چگل

شاه ترکان فارغست از حال ما کورستمی ۳۳۱

و همچنین است این تشبیهات: باد غرور ۷، بادفتنه ۴۳، طوفان بلا ۵۷، طوفان حوادث ۱۵، بند ملامت ۶۲، دایره قسمت ۱۰۹، زهر هجر ۱۸۳، بارمنت ۴۰، چنبر عشق ۲۰۲، راه مقصود ۶۰، پرده غیب ۱۹۳، عرصه خیال ۵۸، تیر مراد ۲۰۶، خاکدان غم ۶۲، صحیفه هستی ۲۱، جریده عالم ۹، چوگان هوس ۱۸۱.

یکی از مواردی که تشبیه موجب تجسم بیشتری است استعاره مکنیه ای است که مشبه آن بیجانست ولی به انسان و امور جاندار مانند میشود یعنی مواردی که فرنگیها به آن Personification می گویند و شاید این نوع تشبیه تجسمی از همه انواع آن دل انگیزتر و واضح تر باشد مانند:

رخ اندیشه وزلف سخن، قلم صنع در این ابیات:

کس چو حافظ نگشود از رخ اندیشه نقاب

تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند ۱۲۵

پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت

آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد ۷۲

تجسم با استعاره های مکنیه ای که مشبه به آن امور بیجانست کمتر از استعاره های مکنیه نوع پیش است مانند، در معنی ۹۱، درد دولت ۹۹، بام سموات ۲۵۷، کنگره عرش:

کوس ناموس تو بر کنگره عرش ز نیم

علم عشق تو بر بام سموات بریم ۲۵۷

اثبات وجود مشبه - یکی از غرضهای تشبیه اثبات وجود مشبه است و

آن وقتیست که شاعر از راه تشبیه و تمثیل ادعای خود را ثابت میکند نه از راه قیاس و برهان بنا بر این این قسم تشبیه نوعی استدلال تمثیلی است. مثال:

در این چمن گل بیخار کس نچید آری

چراغ مصطفوی با شرار بولهیست (۴۵)

که حافظ می‌خواهد ثابت کند این که در این دنیا همواره گل با خار و گنج بارنج و نوش بانیش توأمست و برای این امر از تمثیل و تشبیه بهره‌یگیرد و می‌گوید همانطور که پیغمبر اسلام همزمان ابولهب بود و از گزندش ایمنی نداشت بنا بر این گل نیز در جهان همراه خار است و «گل بیخار میسر نشود در بستان». مشبه در اینجا «توأم بودن گل با خار و خوبی با بدی» است.

چنانکه دیده میشود بسیاری از اینگونه تشبیهات مرکبند.

یادآوری - یکی از مواردی که مشبه به برای اثبات وجود مشبه می‌آید. هنگامیست که شاعر می‌خواهد امری مخالف طبیعت را اثبات نماید و از این نوع تشبیه که قسمی استدلال تمثیلی است استفاده میکند. مثال:

ز درد عشق شه بیگانه باشد که جای گنج در ویرانه باشد

(از شاعری ناشناخته به نقل از شعر العجم شبلی نعمانی ص ۴۱ ج ۴)

خیال پردازی شاعرانه - یکی از فوائد تشبیه خیال پردازی شاعرانه است. هر چند تشبیه خود فرزند خیال و زائیده پندار است ولی گساهی برای خیال آفرینی نیز بکار می‌رود. اینگونه تشبیهات را نمی‌توان از تشبیهات اغراقی و حیرت‌انگیز و جان‌آفرین و اقسام دیگری از تشبیه که در این بخش آمده است جدا کرد. زیرا تخیل و خیال‌انگیزی بطور کلی از خواص شعر و هنر و از عناصر اصلی آنست و در هر نوع صنعت شاعرانه و در هر قسم تشبیهی کم و بیش دیده میشود. استعاره‌های مکنیه و مجازهای عقلی^۱ یکی از بهترین نمونه‌های اینگونه

۱- بعضی از مجازهای عقلی استعاره‌های مکنیه‌ای هستند که نقش مسندالیه یا مفعول یا متمم فعل را بازی میکنند و لوازم آنها فعل و جمله است بنابراین برخی از مجازهای عقلی و استعاره‌های مکنیه بر یکدیگر منطبقند. مثلاً در این بیت انوری:

قبضه خنجرت جهانگیر است گرچه يك مشت استخوان باشد

که هم میتوان گفت «قبضه خنجرت» استعاره مکنیه است و «جهانگیر است» از لوازم آنست (زیرا قبضه خنجر به آدمی تشبیه شده است که جهانگیری می‌کند) و هم میتوان فرض کرد که در جمله «قبضه خنجرت جهانگیر است» نوع اسناد از اقسام مجاز عقلیست زیرا فعل (جهانگیری کردن) به فاعل خود (شاه) نسبت داده نشده بلکه به آلت فعل (قبضه خنجرت) اسناد داده شده است.

تشبیهاتند. اینک دوسه مثال برای این مورد:

اندر آن ساعت که بر پشت صبا بندند زین

با سلیمان چون برانم من که مورم مر کبست

ای هدهد صبا به صبا میفرستمت

بنگر که از کجا به کجا میفرستمت

همچون حباب دیده به روی قدح گشای

این خانه را قیاس اساس از حباب کن

تشبیه برای ایجاد تناسب و همبستگی شاعرانه در سخن - گاهی تشبیه

برای آرایش و زیبا کردن مشبه یعنی برای زیباسازی خود دستگاه تشبیه است و گاهی نیز برای ایجاد صنایع بدیعی و بوجود آوردن تناسب و رابطه با کلمات دیگریست که خارج از دستگاه تشبیه قرار دارند، زیرا اجزاء هر تشبیه و استعاره‌ای با خود و با لوازم خود مربوطند، اما شاعر در مواردی که شرح خواهیم داد کلمه‌ای را به عنوان مشبه یا مشبه به یا استعاره انتخاب می‌کند که با واژه‌های دیگری که خارج از دستگاه تشبیهند مناسبتی دارد و نیز صنعتی ایجاد می‌نماید. مثلاً مراعات نظیر، جناس، حسن تعلیل و غیره بوجود می‌آورد مانند:

ز آن طره پر پیچ و خم سهلست اگر بینم ستم

از بند و زنجیرش چه غم آنکس که عیاری کند

خیال زلف تو پختن نه کار هر خامیست

که زیر سلسله رفتن طریق عیاریست

که حافظ می‌توانست زلف را به بنفشه، دام، شب، زنگی و دهها چیز

دیگر تشبیه کند اما از این میان سلسله یعنی زنجیر را انتخاب کرده است زیرا با

عیار و عیاری رابطه دارد و به اصطلاح اهل بدیع صنعت مراعات نظیر و ایهام

تناسب بوجود آورده است.

باری رابطه‌ای که اجزاء تشبیهات و استعارات حافظ با کلمات دیگر برقرار میکنند غالباً زیبایی می‌آفریند. این رابطه که گاهی چندجانبه است ایجاد مراعات نظیر و تضاد و صنایع دیگری که از آن منشعب میشود میکند یعنی صنایعی از قبیل ایهام تناسب و ایهام توالدضدین و دومعنائی (ذوالمعنین) و ایهام تضاد و می‌دانیم هیچکدام از شاعران در ایجاد رابطه دوجانبه یا چند جانبه بین کلمات به اندازه حافظ چیره دست و سحرآفرین نیستند. رابطه اجزاء تشبیه با کلمات دیگر در شعر حافظ تنها مراعات نظیر و تضاد و فروع آنها را بوجود نمی‌آورد بلکه در بسیاری از موارد شاعر به یاری کلك خیال‌انگیز خود صنایع زیبای دیگری می‌آفریند از قبیل جناس، حسن تعلیل، عکس و..... اما از آنجائیکه صنایع و آرایشهای ادبی دسته نخست مخصوص حافظند اجزاء تشبیه خواجه نیز بیشتر اینگونه صنایع و آرایشهای ادبی را پدید می‌آورند. ما اینگونه تشبیهات را که ایجاد همبستگی شاعرانه می‌کنند «تشبیهات همبسته» می‌نامیم و ضمناً این را هم یادآوری می‌کنیم که یکی از نشانه‌های پختگی و کمال و زیبایی تشبیه و استعاره پیوستگی همبستگی اجزاء آنست با کلمات دیگر شعر. گفتیم که این ویژگی در شعر حافظ در حد کمالست و حافظ استاد یگانه و بی‌همتای این قسم تشبیهاتست بنابراین **همبستگی و پیوند کامل و چند جانبه بین اجزاء تشبیه و سایر کلمات از ویژگیهای سبکی حافظست** با اینحال تشبیهات حافظ از این لحاظ جا دارد که با شعر شاعران دیگر مقایسه شود ولی با اطلاعات فعلی ظاهراً هیچیک از شعرا از این حیث به پای حافظ نمی‌رسند.

اینک شرح صنایع و آرایشهای که حافظ برای آنها اجزاء تشبیه خود را انتخاب میکند:

- ۱- تشبیه برای **دلیل آفرینی شاعرانه** (حسن تعلیل): دلیل آفرینی یعنی اینکه شاعر دلیلی می‌آورد که منطقی نیست اما شاعرانه و خیال‌انگیزست به این جهت ما آن را دلیل آفرینی یا دلیل آفرینی شاعرانه می‌نامیم مانند:

اشك غمازمن ار سرخ برآمد چه عجب

خجل از کرده خود پرده دری نیست که نیست

شاعر اشك را استعاره مکنیه گرفته است و آنرا به آدمی که سخن چین است و در نتیجه رویش از شرم سرخ شده است تشبیه کرده و این سرخروئی و خونباری را نشانه خجالت اشك از کرده خود دانسته و علت این شرمساری نیز چیزی جز پرده دری و سخن چینی نیست زیرا او راز عشق را فاش کرده و مستحق شرمندگی و سرخروئی است و گرنه شاعر به جای تشبیه اشك به آدم سرخرو می توانست آن را به سیل و چشم و دریا هم تشبیه کند. همانطور که در جاهای دیگر به مناسبتهای شاعرانه دیگر چنین کرده است. مثال دیگر:

در بحر فتاده ام چو ماهی تا یار مرا به شست گیرد
که عاشق خود را به ماهی غرق شده در دریا تشبیه کرده است به این منظور که یار او را بگیرد.

گفتمش سلسله زلف بتان از پی چیست

گفت حافظ گله ای از دل شیدا میکرد

اینجا شاعر زلف را به زنجیر تشبیه کرده است و علت آنرا چنین گفته است که دل شاعر دیوانه است (شیدا یعنی دیوانه) و نیاز به زنجیر شدن دارد. (در قدیم دیوانگان را زنجیر می کرده اند).

از این قبیل است این ابیات که در آنها یکی از اغراض تشبیه بوجود آوردن حسن تعلیل و دلیل آفرینی شاعرانه است:
به صدق کوش که خورشید زاید از نفست

که از دروغ سیه روی گشت صبح نخست ۲۱

زین آتش نهفته که در سینه منست

خورشید شعله ایست که در آسمان گرفت

۲- تشبیه برای ایجاد مراعات نظیر و تضاد - گفتیم بسیاری از تشبیهات

همبسته حافظ وقتی با کلمات دیگر مربوط میشوند مراعات نظیر و ایهام تناسب بوجود می‌آورند و گفتیم اینگونه تشبیهات در شعر حافظ بیش از تشبیهات همبسته دیگر است مانند تشبیه «مه‌نو» به داس به مناسبت ارتباط آن با مزرع سبز فلک و با کشته خویش:

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو

یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو ۲۸۱

یا تشبیه رخسار گل به آتش به مناسبت تضاد داشتن آن با خرمن در این

بیت:

آتش رخسار گل خرمن بلبل بسوخت

چهره خندان شمع آفت پروانه شد

یا تشبیه شراب به افلاطون که به منظور ایجاد مراعات نظیر با حکمت

است:

جز فلاطون خم نشین شراب سر حکمت به ما که گوید باز

و یا تشبیه ساغر به مشرق به مناسبت تناسب آن با خورشید در این بیت:

خورشید می ز مشرق ساغر طلوع کرد

گر برگ عیش می طلبی ترك خواب کن ۲۷۳

و یا تشبیه عیش به ارتفاع بواسطه مراعات نظیر و تناسب نجومی آن با

آفتاب و طالع:

ز آفتاب قدح ارتفاع عیش بگیر چرا که طالع وقت آنچنان نمی بینم

و یا تشبیه اشک به پروین به مناسبت مراعات نظیر بودن آن با ماه:

یارمن باش که زیب فلک و زینت دهر

ازمه روی تو و اشک چو پروین منست ۳۷

۳- تشبیه برای ایجاد تجنیس - گاهی اجزاء تشبیه با کلماتی که در داخل دستگاہ

تشبیهند یا با واژه‌هایی که خارج از آن قرار دارند تجنیس بوجود می‌آورد مانند:

چشمه چشم مرا ای گل خندان دریاب

که به امید تو خوش آب روانی دارد ۸۵

۴- تشبیه به منظور ایجاد صنعت **ایهام و دومعنائی** (ذوالمعنین)- دیدیم که یکی از غرضهای تشبیه آنست که اجزاء آن دومعنائی یا ایهام بوجود آورد. مانند:

ایکه با زلف و رخ یار گذاری شب و روز

فرصت باد که خوش صبحی و شامی داری ۳۱۲

که صبح هم به معنی رخسار یار و هم به معنی بامداد است و شام نیز هم به معنی زلف معشوق و هم به معنی شب است و در این بیت یکی از هدفهای تشبیه روی و موی به صبح و شام بوجود آوردن صنعت زیبای دومعنائیت است.

۵- تشبیه برای ایجاد **ایجاز** - بعضی از تشبیهات با ایجاز توأمند و بعضی دیگر با اطناب. تشبیهاتی که با ایجاز توأمند به کلام زیبایی و دلنوازی خاصی می بخشند زیرا ایجاز یکی از عوامل عمده زیبایی شعر فارسی است. اشعاری که در فارسی ضرب المثل شده اند غالباً از ایجاز بهره دارند. تشبیهاتی که با ایجاز توأمند عبارتند از:

الف- اضافه های تشبیهی. مانند: لب لعل و کمان ابرو و غیره.

ب - اضافه های استعاری یعنی استعاره های مکنیه ای که به صورت اضافه

آمده اند. مانند: در معنی و در دولت و غیره.

ایجاز اضافه استعاری از اضافه تشبیهی بیشتر است زیرا اضافه تشبیهی اگر چه خود تشبیه خلاصه شده است اما اضافه استعاری گاهی نیز اضافه تشبیهی ملخصی است و آن هنگامیست که مضاف الیه به امور بیجان تشبیه شده باشد مثلاً در دولت یعنی در خانه دولت و راه مقصود یعنی راه شهر مقصود بنابراین گاهی اضافه استعاری تشبیهی است که دوبار خلاصه شده است و گاهی هم خلاصه تشبیهی است که به صورت اضافه نیست و آن هنگامیست که مضاف الیه به انسان

یابه جانداران تشبیه شده باشد. مانند: دست روزگاری یعنی دست روزگاری که مانند انسانست. اضافه استعاری در هر حال خلاصه تر از اضافه تشبیهی است.

ج - صفات مرکب تشبیهی مانند: ماهرخ وزهره جبین:

یارب این شاهوش ماهرخ زهره جبین

در یکتای که و گوهر یکدانه کیست ۴۷

زیرا زهره جبین یعنی یاری که روی او مانند زهره است و ماهرخ یعنی نگاری که روی او مانند ما هست.

د تشبیهاتی که با پسوندهای تشبیهی یعنی تشبیهاتی که با آسا و گونه و گون و وار ووش و غیره بوجود می آیند. مثال:

دل صنوبریم همچو بید لرزانست ز حسرت قدو بالای چون صنوبر دوست
زیرا صنوبری یعنی «مانند صنوبر».

ه - تشبیهات اسنادی - زیرا در این تشبیهات ادات تشبیه و گاهی هم وجه شبه حذف میشود. مثال:

زلف تو مرا عمر درازست ولی نیست

در دست سرموئی از آن عمر درازم ۲۲۹

و - تشبیهاتی که با حذف ادات تشبیه و با خلاصه شدن آن توأمند مانند:

غزل گفتی و در سفتی بیاو خوش بخوان حافظ

که برنظم تو افشاند فلك عقد ثریارا (۳)

یعنی غزل گفتی و مانند آن است که در سفتی.

در این چمن گل بیخار کسی نچید آری

چراغ مصطفوی باشرار بولهیست ۴۵

یعنی همانطور که چراغ مصطفوی همراه باشرار بولهیست است.

دلربائی همه آن نیست که عاشق بکشند

خواجه آنست که باشد غم خدمتکارش

ز - استعاره‌های حقیقیه مانند صنم و نگار و بادام و لعل به ترتیب به معنی معشوق و یار و چشم و لب زیرا نگار یعنی یاری که مانند نگار است و گلبرگ یعنی رخساری که مانند گلبرگ است و سنبل یعنی زلف مثل سنبل و لعل یعنی لب مثل لعل:

دوش آن صنم چه خوش گفت در مجلس مغانم
با کافران چه کارت گسرت نمی‌پرستی
رقص بر شعرتر و ناله نی‌خوش باشد

خاصه رقصی که در آن دست‌نگاری گیرند

گلبرگ راز سنبل مشکین نقاب کن

یعنی که رخ‌پوش و جهانی خراب کن ۲۷۲

استعاره حقیقیه مختصرترین و فشرده‌ترین تشبیهات است و در آن فشرده‌گی و تراکم تشبیه به حداً علی میرسد ولی استعاره‌های حقیقیه‌ای که مقید به صفتند ایجاز کمتری دارند. استعاره‌هایی از قبیل: نرگس مستانه:
بجز آن نرگس مستانه که چشمش مرصاد

زیر این طارم فیروزه کسی خوش‌نشست ۹

نرگس پر خواب مست: علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بگشابه شیوه نرگس پر خواب مست را

وزر شك چشم نرگس رعنا به خواب کن ۲۷۲

شمع سعادت پرتو:

دولت صحبت آن شمع سعادت پرتو

باز پرسید خدا را که به پروانه کیست ۴۷

از این قبیل است: گلبن جوان ۲۱۹، گل نورسته ۱۹۶، سروسیم اندام

۷، آهوی سیه‌چشم ۲۹۵، سروصنوبر خرام ۹، شمشاد خوش‌خرام ۲۹۴، شمشاد

خانه پرور.

۶- تشبیه به منظور **اطناب** - وقتی که تمام ارکان تشبیه (مشبه، مشبه به، ادات تشبیه و وجه شبه) ذکر شوند در عمل تشبیه با اطناب توأمست و در برخی از موارد غرض از آوردن تشبیه اطناب کلامست و آن در مواردیست که شاعر میخواهد تشبیه تازه‌ای بیاورد و یا توضیح بیشتری درباره‌ی مشبه یا مقصود بدست دهد. مثال:

همچو گلبرگ طری هست وجود تو لطیف

همچو سرو چمن خلد سراپای تو خوش (۱۹۴)

مهمترین اقسام تشبیه گسترده و بلند در شعر حافظ آنهاییست که وجه شبهشان ذکر شده است. مانند:

دلا ز نور محبت گر آگهی یابی

چو شمع خنده زنان ترك سرتوانی کرد ۹۷

حبابوار بر اندازم از نشاط کلاه

اگر ز روی تو عکسی به جام ما افتد ۷۷

یادآوری - گفتیم یکی از ویژگیهای بسیاری از اشعار فارسی فشرده‌گی و

ایجاز است. تشبیهات مجمل و کوتاه و فشرده و موجز در شعر فارسی فراوانست و یکی از غرضهای مهم تشبیه در شعر فارسی را می‌توان ایجاز و فشرده‌گی شمرد اما تشبیهات گسترده و بلند و توأم با اطناب فوائد دیگری دارند از قبیل ابداع، روشنگری، توضیح و تجسم. البته درباره‌ی گسترده‌گی و فشرده‌گی تشبیهات لازمست تحقیقات بیشتری کرد. با یادداشتها و مدارك موجود بیش از این نمی‌توان اظهار نظر نمود. باری ما تشبیهاتی که با ایجاز توأمند تشبیه فشرده یا تشبیه کوتاه و آنهایی که با اطناب همراهند تشبیه گسترده یا تشبیه بلند می‌نامیم. تشبیهات مفصل (تشبیهاتی که وجه شبهشان ذکر شده) و تشبیهاتی که بصورت تمثیل و حکایت می‌آیند از اقسام تشبیهات گسترده‌اند.

۷- تناسب تشبیهات با اندیشه حافظ - حافظ گاهی برای تشبیهات خود

اجزائی را انتخاب می‌کند که مناسب با مکتب رندی و اندیشه خاص فلسفی و عرفانی اوست و اینگونه تشبیهات ممکنست در شعرشاعران عارف و فیلسوف دیگرمانند عطار و مولوی و خیام و در کتب عربی و فارسی صوفیه هم آمده باشد و حافظ این تعبيرات را از دیگران گرفته باشد از آن جمله است: تشبیه دل به جام جهان‌نما و آئینه و آئینه اسکندر و جام شراب و یا تشبیه ذات حق به ساقی و تشبیه جهان به بازار و تخت روان و زال و کارخانه و دامگه و تشبیه شراب به افلاطون خم‌نشین و تشبیه وجود به معما، در حالیکه برای این امور تشبیهات دیگر نیز میشد آورد و کما اینکه خود حافظ در بعضی از موارد بعلل بلاغی دیگر همین کار را کرده است یعنی تشبیهاتی آورده است که با اندیشه و مکتب خاص او مناسبت ندارند بلکه مناسب اموری دیگر و بنابر علی دیگر است. اینک مثالها:

بهار توبه‌شکن:

به عزم توبه‌سحر گفتم استخاره کنم
بهار توبه‌شکن میرسد چه چاره کنم

تشبیه جهان به تخت روان:

جرعه جام بر این تخت روان اندازم
غلغل چنگ در این گنبد مینافکنم ۲۳۵

تشبیه جهان به بازار:

نقد بازار جهان بنگر و آزار جهان

گر شمارانه بس این سودوزیان مارا بس ۱۸۲۸۲

تشبیه وجود انسان به معما:

وجود ما معمائیست حافظ
که تحقیقش فسونست و فسانه ۲۹۷

تشبیه عمر به آب روان که حافظ با آن توانسته است زیباترین بیت فارسی

را در این باره بوجود آورد:

بنشین بر لب جوی و گذر عمر بین

کاین اشارت ز جهان گذران مارا بس ۱۸۲

تشبیه جهان به عجوز و زال:

مجو درستی عهد از جهان سست نهاد

که این عجوز عروس هزار دامادست ۲۷

به مهلتی که سپهرت دهد ز راه مرو

ترا که گفت که این زال ترک دستان گفت ۶۱

تشبیه استهزاء آمیز و طنز آلود - حافظ گاهی به مناسبت سبک طنز آلود و

رندانه خود و به منظور استهزاء کردن دنیا و مافیها امور نامقدس از جمله شراب

را به چیزهای خوب و مقدس و مذهبی تشبیه می کند مانند تشبیه «خم» به بیت الحرام:

گرد بیت الحرام خم حافظ گر نمیرد به سر بیوید باز ۱۷۸

یا تشبیه شراب به افلاطون که چند سطر پیش دیدیم.

چنانکه دیده میشود حافظ در این موارد گاهی مشبه به هائی آورده است

که کاملاً بدیع و تازه و بی نظیر است.

بعضی از این تشبیهات خود بخود طنز آمیز نیستند اما وقتی با کلمات

دیگری هم نشین می شوند طنز آلود و رندانه بنظر میرسند مانند تشبیه عشق به میکه

در این بیت:

ثواب روزه و حج قبول آنکس برد

که خاک میکده عشق را زیارت کرد ۸۹

که در آن فقط زیارت میکده عشق موجب قبول شدن روزه و حج آدمی

شناخته شده است و در نتیجه ایجاد ابهام توالد ضدین و تضاد حیرت آفرینی

کرده است و به کلام طنز و لطف خاصی بخشیده است. این بیت نیز تقریباً وضعی

۱- خاقانی نیز چنین تعبیری را آورده است و جهان را به زال سپید ابرو و مام سیه

پستان تشبیه کرده است:

این زال سپید ابرو و این مام سیه پستان

از خون دل طفلان سرخاب رخ آمیزد

نظیریت قبل دارد:

بردر میخانه عشق ای ملک تسبیح گوی

کاندر آنجا طینت آدم مخمر می کنند

۸- تشبیه همبسته چند گانه- گاهی تشبیه همبسته به منظور ایجاد دوبیچند صنعت ادبیست و از اینگونه تشبیهات در شعر حافظ فراوان است زیرا استاد پیوند دادن هر چه بیشتر کلمات با یکدیگر است. مانند تشبیه کردن رخ و زلف به صبح و شام به منظور ایجاد صنعتهای تضاد و دو معنایی در این بیت: ای که با زلف و رخ یار گذاری شب و روز

فرصت باد که خوش صبحی و شامی داری

یا تشبیه دل به صنوبر به منظور ایجاد مراعات نظیر با بید از طرفی و به قصد ایجاد جناس با «صنوبر» از طرف دیگر است: دل صنوبریم همچو بید لرزانست

ز حسرت قدوبالای چون صنوبر دوست

تشبیه برای زشت نمائی مشابه- گاهی تشبیه برای تقبیح و زشت شمردن امریست. مانند چشم حسود مه چرخ در این بیت:

آه و فریاد که از چشم حسود مه چرخ

در لحد ماه کمان ابروی من منزل کرد ۹۲

اما تعبیر «چشم حسود چمن» در بیتی که خواهد آمد به منظور زشت نمائی چمن نیست بلکه به منزله مبالغه در زیبایی معشوقست که حتی از زیبایی باغ و چمن نیز برتر است:

یارب این نوگل خندان که سپردی به منش

میسپارم بتو از چشم حسود چمنش ۱۹۰

تشبیه به منظور جان آفرینی در بیجانها- گاهی غرض از تشبیه جان دادن به بیجانها و تجسم و زیباتر کردن آنهاست و دیدیم که این امر خاص بعضی از

استعاره‌های مکنیه است از قبیل باد و نسیم و چمن و گل و کوه و صحرا و حتی
اعضاء بدن آدمی مانند زلف و دل و چشم معشوق که با شاعر سخن می‌گویند و
راز و نیاز می‌کنند. مثال:

با صبا در چمن لاله سحر می‌گفتم

که شهیدان که انداینهمه خونین کفنان

گفت حافظ من و تو محرم اسرار نه‌ایم

از می لعل حکایت کن و شیرین دهان

این نوع تشبیه را می‌توان از اقسام تشبیهات حیرت‌آفرین و تجسم‌گر

نیر بشمار آورد.

تشبیه برای نوآوری و ابداع - گاهی توصیف با ابداع توأمست

مانند:

ملك این مزرعه دانی که ثباتی ندهد

آتشی از جگر جام در افلاک انداز ۱۷۹

یکی از اقسام بدیع تشبیهات حافظ آنهائست که مشبه به استعاره مکنیه

است و لوازم استعاره مکنیه وجه شبه‌یست تازه و بدیع مانند:

همچون حباب دیده به روی قدح گشای

این خانه را قیاس اساس از حباب کن ۲۷۳

تشبیه برای چند فایده - حیرت‌آفرینی، زیبایی، اغراق، توصیف،

تجسم و ابداع که تشبیه برای آن بوجود می‌آید همه از عناصر سازنده شعرند و

جدا کردنشان از هم ممکن نیست زیرا ممکنست زیبایی با اغراق و تجسم و

حیرت‌آفرینی توأم باشد. از این رو امکان دارد تشبیه دارای چند فایده و غرض

باشد. بهمین جهت بسیاری از مثالهایی که برای یکی از این امور زدیم برای

امور دیگر نیز صادقند. مثلاً استعاره‌های مکنیه‌ای که به بیجانها جان می‌بخشد

غالباً دارای چند فایده است:

۱- ابداع ۲- زیبایی ۳- تجسم ۴- حیرت آفرینی.
اینک مثال برای مواقعی که تشبیه دارای چند غرض و هدف و فایده است:

الف- برای ابداع و زیبایی:

مراد دل ز تماشای باغ عالم چیست

به دست مردم چشم از رخ تو گل چیدن

به پیش خیل خیالش کشیدم ابلق چشم

بدان امید که آن شهسوار باز آید ۱۵۹

ب - برای تجسم و مبالغه:

صبا ز حال دل تنگ ما چه شرح دهد

که چون شکنج ورقهای غنچه تو برتوست ۴۱

ج - برای تجسم و زیبایی:

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر

یادگاری که در این گنبد دوار بماند ۱۲۱

دل که از ناولک مژگان تو در خون می گشت

باز مشتاق کمانخانه ابروی تو بود ۱۲۸

د - برای تجسم و ابداع و زیبایی:

هم گلستان خیالم ز پرتو نقش و نگار

هم مشام دلم از زلف سمن سای تو خوش ۱۹۴

ه - مثال برای زیبایی و اغراق: گنج عزلت (۳۵)، گنج عافیت (۳۶) گنج

حضور (۱۱۴)، گنج سعادت (۱۲۷ و ۱۴۷)، گنج عشق (۳۰۱)، یا مانند تشبیه سوز

سینه به خورشید و آتش در این بیت:

زین آتش نهفته که در سینه من است

خورشید شعله ایست که در آسمان گرفت ۶۰

و- مثال برای حیرت آفرینی و اغراق و زیبایی:

شود عزالۀ خورشید صید لافر من

گر آهوئی چو تویک دم شکار من باشی ۳۲۰

ز- مثال برای حیرت آفرینی و همبستگی با کلمات دیگر:

ای که با زلف و رخ یار گذاری شب و روز

فرصت باد که خوش صبحی و شامی داری ۳۱۲

و همچنین است: گنج غم ۳۳۴، گنج غم عشق ۲۵۶، گنج قناعت ۳۳۸.

گاهی فایده تشبیه متوجه امور دیگر است - آنچه تاکنون دیدیم
مواردی بود که فایده تشبیه عاید مشبه میشود در حالی که فایده تشبیه ممکنست همیشه عاید مشبه نباشد بلکه امکان دارد عاید مشبه به یا امور دیگر شود مانند:

همچون حباب دیده به روی قدح گشای

این خانه را قیاس اساس از حباب کن ۲۷۲

که فایده تشبیه حباب به انسانی که چشم به روی قدح باز می کند عاید خود حباب نیست بلکه عاید نوع انسانی است که باید در قدح بنگرد و شراب بنوشد و ساختن استعاره مکنیه از حبابی که چشم به روی جام می گشاید به منظور تشویق و توصیف «تو» است که مراد از آن تمام نوع بشر است. در همه استعاره- های مکنیه ای که در عین حال که مشبه اند مشبه به برای امری دیگر نیز بشمار میروند فایده تشبیه متوجه استعاره مکنیه که مشبه اصلیت نمی شود. لوازم استعاره مکنیه در این موارد در عین حال وجه شبه است بین مستعار له و مستعار منه. مثلاً در مثال فوق «تو» مشبه و «حباب» مشبه به و در عین حال استعاره مکنیه و مشبه دومست یعنی به آدمی تشبیه شده است که چشم دارد و به قدح نگاه میکند و «دیده به روی قدح گشادن» وجه شبه بین «تو» و «حباب» است و در عین حال از لوازم استعاره

مکنیه شمرده میشود بنابراین در این سخن دو تشبیه وجود دارد یکی تشبیه انسان به حبابی که به روی قدح نگاه می کند و دیگر تشبیه حباب به آدمی که به جام می نگرد بنابراین ما می توانیم اینگونه تشبیهات را تشبیهات دوگانه بنامیم که در دیوان حافظ فراوانست و یکی از ابداعات و نوآوریهای حافظ در آفریدن این تشبیهاتست. مانند:

دلا چو غنچه شکایت ز کار بسته مکن

که باد صبح نسیم گره گشا آورد ۹۹
که دل به غنچه ای تشبیه شده که این غنچه خود به انسانی مانند گردیده است که از کار بسته خود در شکایت است.

اینک چند مثال دیگر برای اینگونه تشبیهات دوگانه:

چو نافه بر دل مسکین من گره مفکن

که عهدبا سرزلف گره گشای توبست ۲۳
از بسکه دست می گزم و آه می کشم
آتش زدم چو گل به تن لخت لخت خویش
همچو گرد این تن خاکی نتواند برخاست

از سر کوی تو زانرو که عظیم افتادست ۲۶

بکام تا نرساند مرا لبش چمن نای

نصیحت همه عالم به گوش من باداست ۳۶
صبا که جاست که این جان خون گرفته چو گل

فدای نکبت گیسوی یار خواهم کرد ۹۲
چون گل و می دمی از پرده برون آی و در آی

که دگر باره ملاقات نه پیدا باشد ۱۰۷
وجه شبه در این موارد گاهی مرکبست یعنی از دو جزء توأم با یکدیگر بوجود آمده است که در عین حال باهم معنی متضادی دارند و در آن صورت

تشبیه با حیرت آفرینی توأم میشود و سخن جافظ بیش از پیش دلاویز و جادوئی میشود. مانند:

دلا ز نور محبت گر آگهی یابی

چو شمع خنده زنان ترك سرتوانی کرد ۹۱د

که «خنده زنان ترك سر کردن» وجه شبه مرکبیت بین دل و شمع و از دو جزء متضاد بوجود آمده است. یعنی از «خنده زدن» و «مردن». از این قبیلست:

با دل خون شده چون نافه خوشش باید بود

هر که مشهور جهان گشت به مشکین نفسی ۳۱۸

گاهی نیز وجه شبه متعدد است و در این صورت تشبیه با توصیف و روشنگری بیشتری توأمست و در نتیجه زیباتر نیز هست. مانند:

شیدا از آن شدم که نگارم چو ماه نو

ابرو نمود و جلوه گری کرد و رو بیست ۲۲

که «ابرو نمودن» و «جلوه گری کردن» و «رو بستن» سه وجه شبه است بین نگار حافظ و ماه نو و همچنین است در این بیت:

من و شمع صبحگاهی سزد اربه هم بگرییم

که بسوختیم و از ما بت ما فراغ دارد

که «سوختن» و «فراغ داشتن معشوق از شاعر» دو وجه شبه است بین شاعر و شمع زیرا شاعر خود را به شمعی تشبیه کرده است که اگر چه میسوزد معشوقش از او غافلست و فراغ و بهوی بی اعتناست. در این بیت «سوختن و فراغ داشتن» معشوق را می توان وجه شبه مرکب نیز گرفت. و از این قبیلست:

در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع

شب نشین کوی سربازان و رندانم چو شمع ۱۹۹

ماخذها:

- ۱- مطول تفتازانی چاپ سنگی، سال ۱۳۰۱ قمری، باب بیان فائده تشبیه، ص ۲۷۲ به بعد.
- ۲- هنجار گفتار از نصرالله تقوی چاپ ۱۳۱۷ باب بیان، ص ۱۵۹.
- ۳- دیوان حافظ تصحیح قزوینی و دکتر غنی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی